

همسویی و همکاری

در شماره آغازین ترجمان وحی که با استقبال صاحب نظران، دانشمندان، محققان، مترجمان و علاقه‌مندان به علوم قرآنی رو به رو شد و هر کدام به نوعی ما را مرهون الطاف خود نمودند، اشاره کردیم که برای رسیدن به آرمان مقدس ترجمه قرآن به زبان‌های خارجی باید از همت همه مدد جست و این کار در انحصار فرد، گروه و یا سازمان خاصی نیست، بلکه همه انسان‌های عاشق و علاقه‌مند به فهم و گسترش معارف قرآنی در سراسر جهان، می‌توانند در آن سهیم باشند.

در این مقال برآنیم تا ضمن بیان اهمیت موضوع، راهکارهایی را که مناسب می‌دانیم طرح کنیم و در انتظار اظهار نظر و همکاری کسانی باشیم که به نوعی در این آرمان والا با ما همسو و همفکراند. مطالعات قرآنی

خوشبختانه هم اکنون در مملکت پهناور و فرهنگ دوست ما، کم نیستند مراکز و نهادهایی که با همت و یاری افراد فداکار و مشتاق، در بخش خصوصی و یا با پشتیبانی و مساعدت بخش دولتی به نوعی می‌توانند در سامان دادن به این امر مهم نقشی بسزا داشته باشند.

بدیهی است که توقع سرمایه‌گذاری وسیع در کاری فراگیر و جهانی و بزرگ چون ترجمه قرآن به زبان‌های مختلف دنیا از مؤسسات خصوصی توقعی است بی‌جا؛ اما در بخش دولتی، سازمان‌ها و نهادهایی هستند که به علت امکانات گسترده و حضور فعال و ارتباط تنگاتنگ با مراکز و شخصیت‌های علمی و فرهنگی در پهنه جهان می‌توانند در به ثمر رساندن آن نقشی مؤثر داشته باشند. مشارکت علمی و عملی این گونه نهادها برای تحقق این امر مقدس هم لازم است

و هم متوقع. ذیلاً به طور اختصار در دو محور به برخی از مراکز و نهادها و به نحوه پویا شدن این کار اشاره می‌کنیم:

الف. نهادها و سازمان‌هایی چون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، وزارت امور خارجه، نمایندگی‌های فرهنگی ایران در خارج از کشور، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، سازمان مدارس و حوزه‌های علمیه خارج از کشور، مرکز جهانی علوم اسلامی و... از جمله مراکزی هستند که به صورت مستقیم می‌توانند در این کار نقشی اساسی داشته باشند.

ممکن است پاره‌ای از مراکز فوق با یکدیگر همکار و یا از نظر تشکل سازمانی، یکی زیر مجموعه دیگری باشد، ولی این واقعیت را نباید از نظر دور داشت که هر کدام از آنها به طور مستقل و یا با پی‌گیری و ارتباط و هماهنگی، برای سامان دادن به کار، نقشی قابل اهمیت دارند.

ب. سرمایه‌گذاری در ایجاد و تأسیس مرکزی فرهنگی و مستقل باهدف تعلیم و آموزش زبان‌های مختلف و تربیت نیروهای کارآمد و مجرب، برای کار نگارش و ترجمه در هر زبان یکی دیگر از کارهای ضروری و زیربنایی در این راستاست.

همه می‌دانیم که با به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی در ایران و مطرح شدن قرآن به عنوان محور و هسته اصلی نظام، دگرگونی‌های لازم به طور نسبی در سازمان‌ها و نهادهای وابسته در داخل و خارج کشور رخ نمود، و با ظهور این پدیده، هم انتظار و توقع دیگران در بیرون مرزها برای دست یافتن به منبع و ریشه اصلی این دگرگونی افزایش یافت، و هم تعهد و پائی بندی در میان مسئولین ذی ربط و دوران‌دیش این انگیزه را به وجود آورد که برای این کار مقدس به طور جدی فکری کنند، که در نهایت به تأسیس مرکزی مستقل به نام «مرکز ترجمه قرآن مجید به زبان‌های خارجی» انجامید.

گرچه از حدود ده سال پیش تا کنون کارهای پراکنده‌ای در مورد ترجمه قرآن به زبان‌های خارجی به صورت فردی یا گروهی در ایران انجام شده که به علت محدود بودنشان چندان قابل توجه نیستند و بیشترین سهم را در این زمینه برخی از ناشران بخش خصوصی داشته‌اند که با سرمایه اندک خود و با کمک و یاری افراد خیر و نیک اندیش و یا حمایت بخش دولتی به این کار پرداخته‌اند و حاصل آن، افسست کردن کارهای تکراری دیگران بدون هیچ گونه بررسی و نظارت و دخل و تصرف بوده‌است، اما با همه اهمیت و ارزشی که این گونه کوشش‌ها در جای خود دارد، این کاری نیست که از ایران اسلامی انتظار آن می‌رود.

با توجه به اهمیت موضوع و تأثیرات عمیق و تبلیغی آن، در این میان نباید کار برخی از کشورهای اسلامی را که عمدتاً با انگیزه‌های سیاسی در این زمینه شروع شده از نظر دور داشت. البته ما اکنون در صدد بررسی و ارزیابی کار آنها نیستیم و آن را به فرصتی دیگر موکول می‌کنیم، اما سرمایه‌گذاری وسیع و نوع کار آنها می‌رساند که برای ربودن گوی سبقت و اشباع بازار تشنه این گونه معارف، با چاپ زیبا و پخش رایگان ترجمه‌های قرآن به زبان‌های مختلف تا چه اندازه برای خود ایجاد آبرو کرده‌اند!

همان گونه که قرآن به ما آموخته است: «أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ»، ما بر این باوریم که باید بدون توجه به جهات مادی و به دور از انگیزه‌های سیاسی و فقط برای رسالت سنگینی که بر دوش همه ماست در این میدان گام نهمیم، و به حکم قرآن که خود را «هُدًى لِلنَّاسِ» معرفی کرده است زمینه ساز تاپش نور وحی برای تشنگان معارف این عصر باشیم، تا از این رهگذر صاحبان اندیشه‌های درست از برنامه‌های روح بخش قرآن الهام گیرند و از تباهی‌ها و سرگشتگی‌ها رهایی یابند. با این انگیزه و با اعتراف به این که تجربه نشان داده است که تکروری و کارهای فردی، گذشته از اتلاف عمر و سرمایه و به هدر دادن بیت المال راه به جایی نخواهد بُرد، اکنون وقت آن رسیده است که به دور از هرگونه خود محوری از سر تدبیر دست در دست هم نهمیم و آنچه را خدا می‌پسندد انجام دهیم نه آنچه را خود می‌پسندیم.

مهم‌ترین عواملی که در ارائه یک ترجمه صحیح، دقیق، رسا، شیوا و به دور از تحریف می‌تواند مورد توجه قرار گیرد عبارتند از:

۱. دستیابی به کلیه ترجمه‌های عرضه شده تا به امروز در همه زبان‌ها، برای آگاهی از کار گذشتگان و تشخیص نقاط قوت و ضعف آنها.
۲. نقدها، نظرها و بحث‌های نظری ترجمه و مسائل زبان شناختی در بین ملل و نحل مختلف.
۳. تهیه فرهنگ‌ها و دائرةالمعارف‌های مختلف، و ایجاد کتابخانه‌ای تخصصی از ادبیات، فرهنگ، تاریخ و جغرافیای کشورهای مختلف به عنوان پشتوانه علمی کار.
۴. شناسایی مترجمان، محققان، مفسران، دانشمندان آشنا به معارف و علوم قرآنی و مسلط به زبان مبدأ و مقصد در سراسر جهان و ایجاد ارتباط با آنان.
۵. شناسایی مراکز و مؤسساتی که در جای جای عالم در این کار تجربه‌ای کسب کرده و یا کاری انجام داده‌اند و یا مشغول آن هستند.

همسویی و همکاری □ ۷

کاملاً مشهود است که در محورهای پنجگانه فوق، برخی از سازمان‌هایی که به نامشان اشاره شد چگونه می‌توانند ایفای نقش کنند.

اما انتظاری که از وزارت فرهنگ و آموزش عالی و مراکز تحت پوشش آن چون دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه‌ها و دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) می‌رود، عرضه ترجمه‌های مختلف برای ارزیابی در پایان‌نامه‌های علمی به دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و دکتراست که کاری گرانسنگ و قابل اهمیت خواهد بود.

در بخش دوم کار، که با عنوان تأسیس مرکزی مستقل برای تربیت کادر مجرب زبان دان، مترجم و نویسنده از آن یاد شد، مرکز جهانی علوم اسلامی و سازمان مدارس و حوزه‌های علمیه خارج از کشور می‌توانند نقشی بسیار کارساز داشته باشند.

این که انتظار داشته باشیم طلاب جوانی که علاقه‌مند به انقلاب اسلامی هستند و از نقاط مختلف جهان به حوزه‌های علمیه روی می‌آورند، بتوانند در این زمینه کاری درخور توجه ارائه دهند انتظاری دور از واقعیت است؛ چون تجربه نشان داده است که این افراد قبل از تسلط به ادبیات زبان مادری خود، به ایران هجرت می‌کنند و در اثر فراگیری زبان فارسی و دوری از وطن، نه سهم بایسته‌ای از زبان خود دارند و نه در زبان مقصد تجربه فراوانی کسب کرده‌اند، و روشن است که مسأله آشنایی با یک زبان و محاوره با آن، غیر از نگارش و تألیف در آن زبان است. متأسفانه این قشر قابل توجه، به علت ضعف در این زمینه حتی وقتی به کشورهای خود بر می‌گردند نمی‌توانند علوم و معارف خود را به صورت مکتوب به دیگران منتقل کنند، از این رو به اداره مسجد و وعظ و خطابه در محیطی محدود بسنده می‌کنند.

با عنایت به آنچه گذشت و ضمن این که از همه نیروها و امکانات محدود موجود مدد می‌جوییم و تا حد امکان کار را پیش می‌بریم، باز می‌افزاییم که برنامه‌ریزی درازمدت برای چنین کاری از آغاز ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است، و تنها همت بلند مسئولین و کارگزاران نظام می‌تواند برای تحقق آن کارگشا باشد. به امید آن روز.

سردبیر

